

بُرشِی از اظهارات قطب زاده در دادگاه انقلاب ارتش

پدیده‌ای به نام صادق قطب زاده و کوشش‌های او در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و سپس اتهام توطئه علیه همان نظامی که در راه استقرارش بیش از بیست شال مبارزه کرده بود مسلماً جزو نقاط تاریک و مبهم تاریخ ایران معاصر می‌باشد. با این حال جریان دستگیری و محاکمه م اعدام او از ابهام مضاعفی برخوردار است که شاید هیچگاه روشن نشود. مرور بخش‌هایی از آنچه در جلسه دادگاه قطب‌زاده گذشته و سخنانی که ردوبدل شده است، علاوه بر این که تلاشی است مختصر در راستای ایضاح بیشتر در این باب، می‌تواند نمونه‌ای گویا از فضای حاکم بر روند دادرسی‌ها و روال‌های قضایی آن دوره باشد؛ بویژه در پرونده‌هایی که اتهاماتی بسیار سنگین، در حدّ محاربه طرح شده که مجازات آن گرفتن جان متهمان، آن هم در بازه زمانی کوتاهی بوده است!

محاکمه صادق قطب‌زاده و سید مهدوی «روحانی‌نما» که متهم به عضویت در شبکه براندازی می‌باشند، صبح روز شنبه در شعبه اول دادگاه انقلاب ارتش به ریاست حجت‌الاسلام محمدی‌ریشهری در محل زندان اوین تشکیل شد. دادگاه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید رسمیت یافت و سپس دادستان انقلاب ارتش متن کیفرخواست علیه متهم ردیف اول صادق قطب‌زاده را قرائت کرد. وی پس از ذکر مقدماتی در مورد اتهامات وی گفت: موضوع اتهام نامبرده توطئه جهت براندازی و به‌شهادت رساندن حضرت امام خمینی بوده است. وی در ادامه قرائت کیفرخواست ضمن اشاره به نقش روحانیت شیعه در طول تاریخ به نقش این قشر در جنبش ضداستعماری تنباکو، انقلاب عراق، نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد.

اتهامات صادق قطب‌زاده

مشخصات: صادق قطب‌زاده، فرزند حسین، دارای شناسنامه شماره ۱۰۸ متولد ۱۳۱۵-مجرد - بازداشت از تاریخ ۶۱/۱/۱۷
۱ - رهبری کردن عده‌ای جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی در زیر پوشش پیاده

کردن جمهوری اسلامی واقعی به شرح مندرج در صفحات ۵، ۸۲، ۸۶، ۲۲، ۵۹ □□ ۱۶ پرونده؛

۲ همکاری با چند گروه نظامی به منظور تحقق بخشیدن به اهداف شوم خود به شرح

مندرج در صفحات ۵ ۰۱۹ □□ ۰۳۱ پرونده؛

۳ - تغذیه مالی گروه‌های نظامی همکار به شرح مندرج در صفحات 1 ۰۳۶ ۰۵۱ «1۱» پرونده؛

4- برقراری ارتباط و حتی همکاری و تهیه پوشاک جهت مفسدین جریانات شمال به شرح مندرج در صفحات ۵ و ۷۵ پرونده و این ارتباط به نحوی بوده که متهم سه روز قبل از حادثه آمل از آنچه بنا بوده واقع شود اطلاع داشته است.

۵ - اعزام رابط جهت تماس با قشقایی‌ها و درخواست کمک از آنها به شرح مندرج در صفحات ۱۰۳ و ۱۰۶ پرونده؛

6- اعزام نمایندگان به خارج از کشور جهت گرفتن پول و اطلاعات برای براندازی به شرح مندرج در صفحات ۰۲۰ ۰۲۱ ۰۲۲ ۰۲۳ ۱۳ 7 ۰۹۷ □□ پرونده؛

۷- گرفتن مبلغ ۹۰ □□ هزار دلار از خارج (ویل آلون)؛ به شرح مندرج در صفحه 10 پرونده؛

۸ - فرستادن سید مهدی مهدوی به عنوان نماینده به عربستان سعودی برای گرفتن پول به شرح مندرج در صفحات ۰۵۱ ۰۵۶ , ۱۰۹۰۱۰۵ ۱۱۷ پرونده؛

۹ □□ - برقراری ارتباط با جامعه سوسیالیست‌ها جهت براندازی و اعزام نمایندگان نزد آنان به شرح مندرج در صفحات ۰۲۵ ۰۲۱ ۰۲۷ ۰۹۶ ۰۹۹ □□ پرونده؛

10 □ - اعزام نمایندگان نزد سید کاظم شریعتمداری برای جلب همکاری و تأیید وی به شرح مندرج در صفحات ۳۲ و ۵۱ پرونده؛

11 □ - درخواست اسلحه از خارج با فرستادن لیستی مرکب از اقلام مورد نیاز به شرح □ مندرج در صفحه ۲۶ پرونده؛

۱۲ - تهیه طرح و به عهده گرفتن رهبری عملیات تسخیر مراکز سپاه و کمیته‌ها و رادیو تلویزیون؛

۱۳ - تهیه نقشه چگونگی انهدام بیت امام و شروع به اقدام به شرح مندرج در صفحات ۵ و ۵۸ پرونده و سایر مدارک موجود؛

14- در اختیار بعضی از افراد گروه قرار دادن ۲ منزل؛ یکی نزدیک بیت امام و دیگری خارج از جماران جهت دیده بانی و تخریب به شرح مندرج در صفحه ۵۸ پرونده؛

۱۵ - اقدام جهت آزادی اصغر مهاجر یکی از بمبگذاران گروه پارس با دادن مبلغ ۰ هزار ریال که جهت این موضوع به عنوان رشوه پرداخت شود به شرح مندرج در

صفحه ۷۲ پرونده؛

16- ضمناً نامبرده به منظور آزادی یکی از منافقین از زندان تلاش و در جهت تهیه گذرنامه به منظور خروج ضد انقلابیون از کشور فعالیت‌هایی به شرح مندرج در صفحات ۹ و ۸۰ و ۹۹ پیرونده داشته است. با عنایت به شرح فوق رسیدگی نهایی به اتهام متهم و صدور حکم شرعی در مورد وی مورد تقاضا است. ضمناً کیفرخواست سایر متهمین و اتهامات آنان در جلسات بعدی مطرح خواهد شد.

پس از قرائت متن کیفرخواست، رئیس دادگاه خطاب به قطبزاده گفت: برای اینکه محورهای دفاع شما مشخص شود، من ۶۰ مسأله را یادداشت کرده‌ام که محورهای اصلی بررسی اتهامات شماست و براساس این 6 مسأله از خودتان دفاع کنید.

۱- در رابطه با ماهیت حرکت شما؛

۲- در رابطه با طرح توطئه که چه بوده است؛

۳ چگونگی همکاری شما با بعضی از افراد در خارج و برخی از کشورهای بیگانه؛

4- همکاری با آقای شریعتمداری و یا همکاری ایشان با شما و تأیید این حرکت از جانب ایشان؛

۵ - جریان آمل (حرکتی که تعدادی از ضد انقلابیون در آمل انجام دادند) و کمک شما به آنها؛

6- تماس با خان‌های قشقایی و غیرقشقایی.

حجت‌الاسلام ری‌شهری افزود: اما توضیح در مورد محور اول این‌که: سؤال ما از شما در رابطه با ماهیت حرکت شما است؛ زیرا در بازجویی‌های شما در رابطه با تبیین این حرکت

نوعی تناقض دیده می‌شود. آنچه از مجموع پرونده شما و دیگر متهمین به نظر می‌رسد این است که حرکت شما حرکتی در رابطه با براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده. ولی در بعضی از قسمت‌ها شما توضیح داده‌اید که این حرکت در رابطه با براندازی نظام نبوده. سوال سؤال ما در این رابطه این است که حرکت شما در رابطه با براندازی نظام بوده است یا خیر.

پس از اظهارات رئیس دادگاه، صادق قطبزاده آغاز به سخن کرده و گفت: ادعای نامبرده علیه این‌جانب از واقعیت‌ها به دور و در حدی از موارد در حد کذب است. اما از شما (رئیس دادگاه) متشکرم که موضوع را محوری کردید. به نظر من محور اصلی و اساس بر سه محور استوار است: یکی توطئه براندازی نظام به قول شما و به قول من حکومت دولت.

دوم: توطئه‌ای که دادستان مدعی است در رابطه با شهادت امام که مهم‌تر از مسأله اول است می‌باشد.

سوم: ارتباط با خارج از کشور و بقیه موارد در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اما ضمن پاسخ به کلیه مطالب، تعجب می‌کنم که دادستان محترم در بعضی موارد مسائل را مسکوت گذاشته‌اند و از بردن نام افراد اصلی این جریان سر باز زده‌اند. آقای دادستان حدود چهارپنجم یا پنج ششم پرونده را به‌تاریخچه اختصاص داده‌اند و تنها یک ششم را به‌عنوان اتهامات مطرح نموده‌اند.

در قسمت اول تنها موردی را که من از روز اول قبول کرده‌ام و تا به‌امروز هم آنرا مورد تأیید قرار داده‌ام، بعضی از اتهامات محور اول است که براندازی نظام بود یا حکومت.

من بارها چه به‌طور کتبی و شفاهی عنوان کرده‌ام که از روز اولی که صحبت از همکاری شد اساس همکاری و شرط اساسی همکاری را براین قرار دادم که نظام جمهوری اسلامی ایران باید با تمام قدرت خود برقرار باشد و وجود امام نیز جزو اصولی بود که روی آن توافق شد. و من در جلسه اول در یک بحث ۶ ساعته اوضاع تاریخی، اجتماعی و سیاسی ایران را مطرح کردم و ضمن تأیید اصول فوق‌الذکر از آن‌ها خواستم که با دوستان خود صحبت کنند و اگر اصول فوق پذیرفته شد حاضر به همکاری با آن‌ها هستم. و در جلسه بعد این قول قبول اصول به من داده شد. حالا نام افرادی که در اینجا برده نشده است واقعاً آن مسائل را قلباً قبول کرده‌اند نمی‌دانم ولی از نظر من قبول شده بود. بنابراین مسأله، مسأله‌ی حکومت بود؛ من حکومت را منهای امام مطرح می‌کنم. زیرا حکومت با امام یک حرف است و حکومت بدون امام یک حرف دیگر و ما حکومت بدون امام را مطرح کردیم. من نمی‌آدمم برای رژیم جمهوری اسلامی که تمام عمر برای ایجاد آن تلاش کرده‌ام چنین رفتاری را که به‌من نسبت داده شده است رفتار کنم و آنرا به‌ثمن بخش به ۱۰۰ نفر یا ۲۰۰ نفر یا ۱۰۰ میلیون نفر بدهم.

س: شما براندازی نظام را تعریف کنید.

ج: براندازی نظام دقیقاً کاری است که در ۲۲ بهمن ۵۷ شد. نظام شاهنشاهی را برداشتند و نظام جمهوری اسلامی را جایش گذاشتند؛ به‌همین سادگی و روشنی!

س: شما می‌گویید بعد از اقدام خود، نظام جمهوری اسلامی باقی می‌ماند. به‌نظر شما چه اصولی از نظام جمهوری اسلامی باقی می‌ماند؟
ج: اصل قانون اساسی می‌ماند.

س: قانون اساسی را می‌خواستید عوض کنید؟

ج: بحثی در این مورد نشد ولی مطمئناً در آینده بحث می‌شد.

س: اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی بر منبای ولایت فقیه است.

ج: هیچ مبنايي ندارد.

س: یعنی محور قانون اساسی ولایت فقیه است؟

ج: من اینطور از قانون اساسی نمی‌فهمم؛ قانون اساسی یک سلسله مواردی دارد.

ولایت فقیه هم یکی از مواردش است.

س: شما مسأله‌ی ولایت فقیه را در قانون اساسی خود مطرح می‌کردید؟

ج: راجع به این مسأله فکر نشده بود.

س: شما می‌خواستید علیه افراد اقدام کنید. پس مسأله‌ی نظام جمهوری اسلامی به چه صورتی درمی‌آمد؟

ج: جمهوری اسلامی به همان صورت که بود می‌ماند و قانون اساسی هم می‌ماند ولی نحوه‌ی اجرا و اداره‌ی مملکت عوض می‌شد.

س: قانون اساسی را قبول دارید؟

ج: قبول دارم ولی شرایط اجرای آن را قبول ندارم. قانون اساسی یک قراردادی است

بین مردم و حکومت که دو طرف این قرارداد ملتزم به اجرای این موارد هستند. اگر یکی از افراد اجتماع این مواد را نقض کند دستگاه حکومتی به علت نقض قرارداد او را می‌گیرد و محاکمه و مجازات می‌کند. ولی آن موقع که خود حکومت نقض قرارداد می‌کند آن موقع باید چکار کرد؟ اگر قدرت و زور باشد در مقابل اعتراض مردم می‌گوید کرده‌ام که کرده‌ام! چشمتان کور! همین است که هست!

س: قانون اساسی را قبول دارید؟

ج: برای پنجمین بار می‌گویم قبول دارم.

س: آیا قانون اساسی به شما اجازه می‌دهد که کودتا کنید؟

ج: به من اجازه نمی‌داد ولی به کارگزاران دولت هم اجازه نمی‌داد که مواد قانون اساسی را نقض کند.

س: قانون اساسی شورای نگهبان تعیین کرده که افراد عادلانی که منتخب ملت هستند به موارد نقض رسیدگی نمایند. آیا قانون اساسی این اجازه را به شما می‌دهد که کودتا کنید؟

ج: قانون این اجازه را به هیچ‌کس نمی‌دهد؛ ولی علاوه بر آن قانون اساسی اجازه تحدید آزادی‌های فردی و عمومی را هم نمی‌دهد...

س: شما برطبق همان قانون اساسی که اظهار می‌کنید موارد آن را قبول دارید دست به کاری زدید که برطبق همان قانون مجاز به آن نبودید. پس عملاً با قانون اساسی مخالفت نموده‌ید.

ج: من قانون اساسی را نقض کردم ولی اولین بار از سوی مقامات دولتی نقض شده است.

اتابکی دادستان انقلاب ارتش توضیحاتی پیرامون سخنان قطب‌زاده را به عرض دادگاه

رسانید. وی گفت: اولاً تمام موارد کیفرخواست شما براساس موارد صریح اعترافات خود شما تنظیم شده و کوچک‌ترین خدش‌ای در موارد آن

نیست.

وی سپس به شرح تفکیک مسأله‌ی نظام و حکومت پرداخت و گفت: من شک کردم که شما مقدمه‌ی قانون اساسی را خوانده باشید. قسمتی از آن شورای عالی قضایی و مجلس و شورای عالی اقتصاد است. اگر شما مدارکی دارید که متصدیان امر برخلاف قانون اساسی متصدی امور شده‌اند را ارائه بدهید. ولی این‌که شما می‌گویید از حرکت افراد متوجه شده‌اید قانون اساسی نقض شده است این درست نیست. زیرا از حرکت افراد نمی‌توان به نقض قانون پی برد. نقض قانون را از تصویب قوانین عادی در مجلس که برخلاف قانون اساسی می‌باشد را تشخیص می‌توان داد و کار شورای نگهبان هم همین است.

پس از سخنان دادستان» رئیس دادگاه از متهم سوّال کرد:

س: آیا شما صلاحیت این کار را در خود می‌دیدید؟

ج: هیچ‌کس به تنهایی صلاحیت ندارد. من رهبر اجرایی بودم و در مسائل فکری و فقهی به افراد صلاحیت‌دار مراجعه می‌کردم. و قصد بیشتر از دوماه ماندن بر سر کار را هم نداشتم بلکه قصد داشتم حکومت را به دست افراد صلاحیت‌دار بدهم.

س: شما خود را صالح برای این کار می‌دانید؟

ج: برای اقدام بله. -

س: شما از نظر اخلاقی و مذهبی آیا صلاحیت کاری را داشتید که به قول خودتان امام نتوانسته است موفق بشود؟

ج: مرا دارید به جایی می‌کشانید که بگویم هیچ‌کس صلاحیت آن را ندارد. زیرا هیچ‌کس معصوم نیست و ما چهارده معصوم بیشتر نداشتیم.

کیهان: در ادامه جلسه دادگاه، مسائلی بین مسؤولین دادگاه و قطب‌زاده مورد بحث قرار گرفت که کیهان به خاطر حفظ مسائل اخلاقی نقل این موارد را در شأن روزنامه نیافت.

دادرسی به جلسه‌ی آینده صبح روز دوشنبه (امروز) موکول شد.

۱ - روزنامه کیهان، دوشنبه ۲۵ مردادماه ۱۳۶۱.